

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید ملک - استرالیا

۰۹ اگست ۲۰۲۰



این شعر را چند روز قبل سروده و امروز خدمت دوستان معزز تقدیم می دارم:

## بس است دگر بس است

افتاده است زلف سیاهی به دست باد.. موج و دلفریب

بس است دگر بس است

ان موی عنبرین.. کرده مراغمین...

بس است دگر بس است

امروز روز جنبش و طوفان توده هاست.... در هر طرف محشر و میدان کربلاست

تو در غمی سیاهی آن زلف تابدار.... هستی بیقرار

آخر برای مردم خود هم به پا بخیز

با رنج ها ستیز

آنجا فتاده کشور تو قلب خاوران .... در دست جانینان

یکسو صدای غرش و طوفان توپ هاست. بیداد تانکهاست

یکسو صدای مردم بیچاره برهواست

افتاده طفلکان و به خون غوطه می زنند

با لقمه ای نان خشک

مادر در انتظار که ابا کجا شده....

صید کدام ظالم و تیر بلا شده

برخیز که آب رفت و دگر ابرو نماند ..... پای پاک رفته کشور تو این واو نماند  
برخیز که خاک کشور تورفته است به باد  
چیزی نمانده گفتنت این باشدت به یاد  
قنقوس وار ز آتش بیداد توسربکش  
چون موج به پا بخیز و طوفان به بر بکش  
شعری بگو که شعله زند خیمهٔ عدو  
جانانه خیز چو مرد بایست روبه روی او

.....  
چسبیده ای به موی سیاه لعل آتشین  
انصاف نباشد این

آخر حدیث زلف سیاه سخت مکرر است  
(شعری که خون از آن نچکد ننگ دفتر است)

**نوت:** آخرین مصرع، یعنی (شعری که خون از آن نچکد ننگ دفتر است) سروده ای از "بیداد خراسانی" و از من نیست  
و چون تضمین شده است داخل قوس گرفته ام